زیر آسمان فیروزه ای

درگذشت «یاشارکمال» در استانبول

خالق «اینجه‌ممد» جاودانه شد

● **شرق:** یاشارکمال قلمش را به زمین گذاشت و مانند اینجه‌ممدش به خاطره‌ها پیوست. او روز شنبه ۹اسفند در بیمارستانی در استانبول درگذشت؛ یکی از مشهورترین نویسندگان ترک‌زبان که نامش فراتر از مرزهای آناتولی رفته بود. بیشتر از همه با نام قهرمان یاغی‌اش اینجه‌ممد شناخته شده بود؛ قهرمانی که در سال۱۹۵۵ خلق شد و نه‌تنها ۳۵اثر بعدی یاشارکمال که بخشی از تاریخ ادبیات ترکیه را تحت‌تاثیر خود قرار داد. این داستان که به بیش از ۴۰زبان زنده دنیا منتشر شده است تا پیش از نوشتن «نام‌من‌سرخ» و «برف» اورهان پاموک مشهورترین کتاب ادبیات ترکیه بود که به زبان‌های دیگر منتشر شده. نام واقعی‌اش کمال صادق گوکچَلی و کردتبار بود. سال۱۹۲۳ در روستای کردنشین همیته در جنوب ترکیه زاده شد. او در کودکی شاهد کشته‌شدن پدرش در مسجد در عید قربان زاده شدو یک‌چشمش را در پنج‌سالگی از دست داده بود و به‌همراه مادرش نگار مهاجرت کرد. او نخستین داستانش را در سال۱۹۵۲ متنشر کرد. ثمین باغچه‌بان، مترجم اینجه‌ممد در مقدمه این کتاب نوشته است: « هنوز هشت‌سالی بیش‌تر نداشت... که شروع کرد به سرودن اشعاری در همان مایه‌ها. در سن ۱۱سالگی... اشعارش دهان‌به‌دهان می‌گشت و از این ده به آن ده می‌رسید... دلبستگی کمال به اشعار «عاشق»های محلی به‌تدریج بیش‌تر و عمیق‌تر می‌شد، تا آنجا که بعدها کار گردآوری و مطالعه فولکلور را به‌طور پیگیر و جدی، پیش گرفت.» اما مهم‌ترین اثرش، اینجه‌ممد در سال۱۹۵۵ منتشر شد. داستانی است در چهارکتاب در مورد روستاییانی که مورد تهدید ارباب‌ها هستند و یاغی‌ای که برای مردم به‌پا خاسته است. یاشارکمال در کودکی شاهد سرکوب دهقان‌ها بود و جایی گفته بود فکر نوشتن این رمان زمانی به ذهنش رسید که شاهد کشته‌شدن یک‌یاغی توسط ژاندارم‌ها بود.

«ممد» بخشی از خاطرات او از دایی‌اش بود که در آن زمان از یاغی‌های معروف در شرق آناتولی، منطقه قفقاز و ایران بود. این نوشته بیشتر از آنکه یک اثر ادبی سیاسی باشد، یک حماسه کامل است. بسیاری از منتقدان این کتاب را با کلیدر محمود دولت‌آبادی که در زمانی مشابه نوشته و منتشر شد و درباره طغیان گل‌محمد در منطقه سبزوار بود، مقایسه می‌کنند.

اما آنچه کمال را مشهور کرد، اعتراض او به نسل‌کشی و تصاحب خانه و زمین‌های ارمنیان در ترکیه بود. موضوعی که در اینجه‌ممد هم به چشم می‌خورد. او شاید نخستین نویسنده‌ای بود که درباره این موضوع صحبت و به آن اعتراض کرد، موضوعی که نویسنده سرشناس دیگر ترک‌تبار یعنی اورهان پاموک نیز به آن اعتراض کرد و پیش از آنکه نوبل ادبی را بگیرد به تبعیدی خودخواسته، آنچنان که کمال انتخاب کرد، رفت. او در سال۱۹۹۵ به اتهام «تبلیغات تجزیه‌طلبی» در مقابل دادگاه امنیتی دولت ترکیه قرار گرفت. محاکمه با حکم برائت وی پایان یافت، اما با انتقاد مجدد وی از عملکرد دولت، یاشارکمال به اتهام «تحریک مردم»، به پنج‌سال زندان تعلیقی محکوم شد. یاشارکمال در سپتامبر سال۲۰۱۳ آخرین کتاب خود را منتشر کرد که عنوانش «پرنده‌ای با یک‌بال» بود. او این کتاب را ۴۰سال پیش نوشته و در کشوی میز خود نگه داشته بود. یاشارکمال در اکتبر۱۹۹۷ به جهت دفاع از صلح و حقوق بشر، موفق به دریافت جایزه صلح ناشران آلمانی شد. این نویسنده شهیر در سال۲۰۰۸ جایزه بزرگ ادبیات ریاست‌جمهوری ترکیه را دریافت کرد که یکی از مهم‌ترین جوایز ملی در ترکیه است و به نویسندگان، شاعران، هنرمندان و خوانندگان ملی تعلق می‌گیرد. به‌دنبال انتشار خبر درگذشت یاشار کمال، چهره‌های سیاسی ترکیه در بیانیه‌هایی به درگذشت او واکنش دادند که در این میان همدردی رییس‌جمهور ترکیه نیز منتشر شد. رجب طیب‌اردوغان، رییس‌جمهور این کشور، با خانواده این نویسنده فقید ابراز همدردی کرده و گفته است: ما برای درگذشت این نویسنده در سوگی عمیق نشسته‌ایم. «احمد داوودواوغلو»، نخست‌وزیر ترکیه، یاشار کمال را هنرمندی بزرگ خواند و درباره او نوشت: در دورانی که سخن‌گفتن دشوار بود، کمال بدون هیچ ترسی رویکرد مخالف خود را حفظ کرد و با سخن‌گفتن از واقعیت‌ها، جایگاهی ویژه و معتبر برای خود ایجاد کرد. پیکر یاشار کمال روز دوم مارس در قبرستان «زینسرلیکویو» استانبول دفن خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار با عوامل فیلم «شیار ۱۴۳»

۵۰سال دیگر هم باید درباره دفاع‌مقدس بگوییم

عکس: پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب خردادماه امسال با عوامل فیلم «شیار۱۴۳» دیدار داشتند. مقام‌معظم‌رهبری در این جلسه ضمن اشاره به اینکه از ظرفیت دفاع‌مقدس در سینمای کشور استفاده نشده است، فیلم «شیار۱۴۳»را به‌لحاظ محتوا و مضمون فیلمی ارزشی دانستند. متن بیانات مقام‌معظم‌رهبری به این شرح است: بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم.

من فیلم را دیدم؛ بسیار فیلم خوبی بود. ما از سینما سررشته نداریم، اما به‌عنوان مستمع، بالاخره یک‌داوری‌ای انسان پیدا می‌کند؛ هم از لحاظ داستان، که یکی از کمبودهای اساسی فیلم‌های ما نداشتنِ داستان خوب و پرکشش است، این فیلم یک داستانِ خوب و جذاب [داشت] و دارای پیچ داستانی - که خیلی هم قشنگ این پیچ، در فیلم باز شد - بود؛ هم از لحاظ کارگردانی، این خانم آبیار - که لابد اینجا تشریف دارند -خیلی‌خیلی خوب فیلم را کارگردانی کرده بودند؛ هم از لحاظ بازی قهرمان اصلی، خانم زارعی - که نمی‌دانم ایشان اینجا تشریف دارند یا نه- واقعا سنگ‌تمام گذاشته بودند و خیلی خوب بود؛ از لحاظ محتوا و مضمون هم این فیلم کاملا فیلم ارزشی بود. من تعجب می‌کنم چطور ممکن است کسی تصور کند که فیلم «شیار ۱۴۳» ضدارزش یا ضددفاع‌مقدس است؛ من نمی‌فهمم از کجای فیلم، این درمی‌آید. بله، آن مادر به این در و آن در می‌زند برای اینکه یک نشان یا اثری از پسرش پیدا کند؛ این روشن است، این چیز کاملا طبیعی‌ای است؛ اتفاقا اهمیت ماجرای دفاع‌مقدس در همین است؛ مادر، با این هویت، با این تشخص، با این احساس غیرقابل‌توصیف - که واقعا احساس مادر نسبت به فرزند اصلا قابل‌توصیف نیست و ماها که نمی‌توانیم مادر باشیم، اصلا درک نمی‌کنیم عظمت این احساس را - با یک‌چنین احساسی این مادر، هم تحمل می‌کند هجرت فرزند خودش را به‌سوی جبهه‌های جنگ، هم تحمل می‌کند شهادت او را، هم افتخار می‌کند. بله، بنده هم مثل شما آقایان معتقدم که از ظرفیت دفاع‌مقدس در سینمای کشور ما استفاده نشده؛ خود سینمای ما انصافا یک ظرفیت بالایی دارد، یعنی کسانی که اهل این فنند و بلدند و مطلعند و واردند و قضاوتشان می‌تواند مرجع فهم انسان قرار بگیرد، معتقدند که سینمای ایران از لحاظ ظرفیت کارگردانی و گریم و بازیگری و مانند اینها، جزو سینماهای برجسته دنیاست؛ و این درست است. این ظرفیت عظیم بایستی با ظرفیت بسیار عظیم دفاع‌مقدس التقاء پیدا کند؛ این اتفاق هنوز درست نیفتاده. بله، مواردی از این قبیل ما در طول این سال‌ها داریم، لکن نسبت به آنچه می‌توانسته وجود داشته باشد، خیلی‌کم است. عده‌ای - که من نمی‌دانم چه‌جور می‌شود انگیزه‌های اینها را آدم تحلیل کند - با ورود سینما به مسایل مربوط به دفاع‌مقدس، علنا مخالفت می‌کنند! من نمی‌دانم چه فکر می‌کنند؛ به اسم اینکه جنگ است، به اسم اینکه خشونت است! صدسال از شروع جنگ جهانی می‌گذرد - امسال صدمین سال است - هنوز در آمریکا و در خیلی جاهای دیگر دارند فیلم می‌سازند [آن هم] در چه گستره وسیعی! حتی آنطور که به من گزارش کردند، دانش‌آموزها و بچه‌های دبیرستانی را وارد این میدان فیلمسازی می‌کنند و از آنها می‌خواهند و به آنها امکانات می‌دهند برای اینکه بسازند؛ [چون] معتقدند که این می‌تواند نسل جدید را با انگیزه‌های سالم دولتمردان‌شان آشنا کند. بله، ایشان درست می‌گویند که ما احتیاج نداریم به اسطوره‌سازی. دیگران مجبورند اسطوره‌سازی کنند؛ یا یک‌مورد خاصی را پیداکنند، ۱۰۰سال، ۲۰۰سال، ۵۰۰سال درباره آن حرف بزنند! مثلا یک زنی - فرض کنید - یک‌جایی در دنیا یک فداکاری‌ای کرده، اسمش را به‌عنوان یک نام آشنای برای همه بشریت تبدیل کنند. ما صدها و هزارها از این قبیل زن، از این قبیل مرد، از این قبیل جوان، از این قبیل قهرمان، در داخل کشورمان داشتیم و همین دفاع‌مقدس یک عرصه‌ای بود که اینها بروز کرد، ظهور کرد. نگذاریم این تاریخ از بین برودشما می‌بینید که این حضرات کره‌ای‌ها - من از کار اینها خوشم می‌آید - تاریخ ندارند؛ لذا می‌گویند «افسانه جومونگ»، افسانه فلان. یعنی از اول حساب را تصفیه می‌کنند؛ [می‌گویند] افسانه است، واقعیت نیست. یک‌چیزی درمی‌آورند، یک‌تاریخ برای گذشته خودشان درست می‌کنند، که وقتی یک جوان کُره‌ای به این فداکاری‌ها و به این شجاعت‌ها و به این کارهای عجیب‌غریب سینمایی نگاه می‌کند، خب احساس هیجان می‌کند، احساس هویت می‌کند، احساس افتخار می‌کند. ما اینها را در واقعیت زندگی خودمان داریم، اتفاق افتاده، پیش آمده؛ چرا از اینها استفاده نمی‌کنیم؟ به‌نظر من یک‌قصور بزرگی- نمی‌گوییم تقصیر؛ لااقل قصور بزرگی - اتفاق افتاده است، باید جبران بشود. به‌نظر من ما ۵۰سال دیگر هم بایستی درباره دفاع‌مقدس بنویسیم، بگوییم، توصیف کنیم، تشریح کنیم، انواع و اقسام هنرها را به خدمت بگیریم، برای اینکه این حادثه عظیم را تبیین‌کنیم. به‌هرحال من از تهیه‌کننده‌ها، از کارگردان، از بازیگرها، از عوامل تولید و همه کسانی که هستند، تشکر می‌کنم. فیلم خوبی بود؛ ما هم لذت بردیم، نشستیم تماشا کردیم، مثل بقیه مردم متاثر شدیم و ان‌شاءالله که مردم هم از آن حداکثر استفاده را بکنند.

کارگاه آموزشی فیلمساز ایرانی در اسپانیا برپا شد

کشتی سینمای «کیارستمی» در بارسلونا

عکس: شرق

امیر مدرسی: روزهای سرد بارسلونا این‌روزها به یمن حضور کارگردان نام‌آشنای ایرانی گرمی یافته. «عباس کیارستمی» چندروزی است میهمان مهم‌ترین شهر بندری اروپا شده است. ساکنان جنوب اسپانیا رسم میهمان‌نوازی را در حق فیلمسازی که با هنرش برای نزدیکی فرهنگ‌ها می‌کوشد، به‌خوبی بجا آورده‌اند. فیلمساز ایرانی از ۲۷فوریه (جمعه هشتم اسفند) کارگاه‌های آموزشی خود را با عنوان «فیلمسازی در بارسلونا با عباس کیارستمی» در فیلمخانه د کاتالونیا برپا کرده. قرار است طی مدت حضور او در اسپانیا (تا دهم مارس) ۵۰دانش‌آموز، ۵۰ فیلم کوتاه را تحت نظارت کیارستمی با الهام از شهر بارسلونا بسازند.

سینما، آموزش‌دادنی نیست

کیارستمی به سفرهایش به دیده یک کار دانشجویی نگاه می‌کند. او سال۹۱ در طی برپایی کارگاهش در استراسبورگ به «شرق» گفته بود که بالاترین انگیزه‌اش از برپایی این کارگاه‌ها مشارکت در یک پروژه دانشجویی است: «هیچ‌گونه انگیزه آموزشی‌ای ندارم و فکر هم نمی‌کنم بتوان سینما را آموزش داد. از طرف دیگر، من با برپایی این کارگاه‌ها فرصتی به خودم می‌دهم تا همراه دانشجویان روی یک تعداد فیلم کوتاه، ویدئوآرت و عکس کار کنم. خودم ۱۰روز کار می‌کنم و تعدادی دانشجو هم مشغول کارکردن هستند. ایده‌های تازه می‌گیریم و به‌روز می‌شویم.» او با همین ذهنیت از روز جمعه کارگاه جدیدش را در دومین شهر پرجمعیت اسپانیا برگزار کرده، با این هدف که چگونه یک فیلم کوتاه در مورد یک شهر ساخته شود. در پایان کارگاه، ۱۰ اثر برتر در جشنواره فیلم بارسلونا حضور پیدا خواهند کرد. از نظر کیارستمی، همکاری با فرهنگ‌های دیگر به غنی‌سازی فرد کمک می‌کند. او که در مرکز اجتماعات لیمونا حضور داشت، در این‌باره گفت: «با وجود موانع زبانی، چیزهایی که ما را جدا کنند زیاد نیستند؛ به این دلیل که جغرافیا بین همه مشترک است.» او در ادامه خطاب به دانشجویان ادامه داد: «یک فیلمساز آمریکایی به من گفته بود که در خیلی از فیلم‌هایی که می‌سازد به‌خاطر اینکه پول تصمیم می‌گیرد، او فقط یک ناظر است! درواقع من در این کارگاه هستم تا انتقام خود را از فیلم‌های حرفه‌ای بگیرم.» کیارستمی در مورد سلیقه خود در فیلمسازی چنین گفت: «مدافع تولید فیلمی هستم که در آن احساسات خوب باشد و آدم را به آشتی با خود بکشاند.» این فیلمساز در ادامه کارگاهش در روزهای اول و دوم راجع‌به فیلم‌هایی صحبت کرد که بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲ ساخته و هم‌اکنون در بایگانی فیلم بارسلونا نگهداری می‌شوند. او در حالی که چگونگی ساخت این فیلم‌ها را تشریح می‌کرد، ادامه داد: «از نظر من خریدن بلیت و دیدن فیلمی که شما آن را دوست ندارید، بسیار خطرناک است.» کیارستمی، مدافع بزرگ فیلم کوتاه است. بسیاری از فیلم‌های کوتاهش که در ایران طی چندسال اخیر ساخته شده‌اند، دو یا چهاردقیقه بیشتر نیستند. از نظر او این یک کار کامل و بی‌نقص است که به بیننده اجازه می‌دهد شخصیت و چشم‌انداز فیلمساز را درک کند. معتقد است دانشجویان باید شجاعت داشته باشند، زیرا تقاضا ناشی از بازار است و شکل صنعت را دارد، اما فیلم هنر است. امروز، احساسات نادرست بر سینما تحمیل شده و فیلمسازان در حال ازدست‌دادن قدرت خود هستند.

از نظر این فیلمساز یکی از مشکلات دانشگاه‌ها این است که اساتید، اغلب، آزادی لازم را به دانشجویان نمی‌دهند؛ در حالی که باید به شخصیت و سلیقه شخصی هرکس احترام گذارد. وی در این‌باره ادامه داد: «شما نمی‌توانید سینما را از طریق تدریس یاد بگیرید، باید آن را انجام دهید. در حدود چهارماه می‌توان تکنیک‌های فیلمسازی را یاد گرفت، اما مهم این است که هر فیلمساز بتواند برداشت خود را از جهان به دیگران انتقال دهد.»

راه رفتن در بارسلونا برای فیلم ساختن

مستندی با یک دریای توفانی. یک نرده و سه‌کلاغ در حال حرکت به سمت چپ، بعد از چنددقیقه پرواز و ترک صحنه؛ فقط دریا و زمزمه امواج که به نظر می‌رسد به صحبت با بیننده می‌پردازند. این فیلم چهاردقیقه‌ای کوتاه، منحصربه‌فرد است. بعد از نمایش فیلم در مرکز اجتماعات لیمونا، کیارستمی، برای دانشجویان صحبت کرد. اگرچه او بیش از ۲۰فیلم ساخته، اما در ارتباط با ساخت فیلم کوتاه گفت: «شجاعانه‌تر است و قادر به اتصال با احساسات کوتاه‌مدت ما. فیلم کوتاه احساس شخصی‌تری را به دست می‌دهد.» چگونه فیلم کوتاه‌ساختن از نظر او چنین است: «باید به خود نگاه بیندازید و تلاش کنید. نگران آن نباشید که شما را آزاد و خلاق ببینند. مشکل دانشجویان بعد از خروج از دانشکده آن است که با داشتن دانش بسیار شجاعت لازم را ندارند. نگاه به عقب را فراموش کنید و شجاع باشید. نبود گفت‌وگو به بیننده آزادی می‌دهد که تصور و فکر کند و بسازد.»

او در ادامه توضیحاتی درباره شماری از فیلم‌هایش نظیر طعم گیلاس، باد ما را با خود خواهد برد، شیرین، ده، زیر درختان زیتون، کپی برابر اصل به دانشجویان کارگاه داد. دانشجویان بعدازظهر روز اول کارگاه به راه‌رفتن در بارسلونا پرداختند و به‌دنبال یافتن ایده‌هایی برای فیلم کوتاه بودند.

کیارستمی نقشه راهشان را در این جست‌وجو، چنین تصویر کرده بود: «باید جست‌وجوی خود را تنها با همکاری تصاویر به‌صورت جداگانه انجام دهید. این کار ثابت خواهد کرد چه می‌بینید.» این فیلمساز در ادامه حضورش در بارسلونا قرار است هفتم‌مارس برای مردم در موسسه فرانسوی بارسلونا سخنرانی کند. عباس کیارستمی از حدود یک‌دهه قبل به شکلی منسجم، کارگاه‌های متعددی در ایران و کشورهای مختلف برپا کرده. ۹سال پیش اولین‌بار در کاخ سعدآباد برپایی کارگاه‌ها را شروع کرد. در واقع این کارگاه‌ها را او از ۱۷سال پیش شروع کرد؛ هر چند برای اولین‌بار به شکلی منسجم همه چیز از سعدآباد شروع شد. تا به‌حال حدود ۳۰ کارگاه در خارج از کشور برپا کرده که در حدود ۲۰ کشور مختلف برگزار شده است. کارگاه‌های کیارستمی در کاخ سعدآباد روال خودش را طی می‌کرد؛ اما همزمان با روی کارآمدن احمدی‌نژاد کارگاه‌ها چون زیر درختان برپا می‌شد، تعطیل شد. او ناچار به بخش‌های خصوصی مثل موسسه «کارنامه»و «ماه مهر» پناه برد. از نظر او تفاوت زیادی بین هنرجویان ایرانی و خارجی وجود دارد. در این‌باره می‌گوید: «مسایل خوشحال‌کننده زیادی وجود دارد که همه آنها را نمی‌توان گفت، چون هزارگونه سوءتفاهم به وجود می‌آورد ولی آنچه می‌توان گفت راجع به استعداد بچه‌های ایرانی است. هرجا کارگاه دارم برای من یادآور استعداد ذاتی دانشجویان ایرانی است که نمی‌دانم از کجا و نمی‌دانم چرا؟! تیزهوشی هنرجویان ایرانی را کمتر جایی دیده‌ام. این را واقعا می‌توان به‌راحتی دید.»

پیام ویدئویی «علیزاده» در بزرگداشت «هوشنگ ظریف»

ما خودمان، هم دولتیم هم ملت

شرق: شاگردان سرشناس هوشنگ ظریف به بهانه نشست تخصصی تار در فرهنگسرای ارسباران گردهم آمدند تا از استادشان تقدیر کنند و خاطره‌هایی را که با او در هنرستان داشتند با هم مرور کنند؛ شاگردانی که حالا هرکدامشان برای خود استادی شناخته شده‌اند. یکی از این هنرجویان سابق، حسین علیزاده بود که این‌روزها به‌خاطر برگزاری کنسرت‌های اروپایی در تهران نیست و برای استادش فیلمی را فرستاده بود. علیزاده البته حرف‌هایش را با انتقاد به وضعیت موسیقی آغاز کرد و گفت که رسیدگی به همه امور وظیفه دولت نیست و اگر هرکسی در جایگاه خود وظیفه‌اش را درست انجام دهد، همه‌چیز درست می‌شود: «اگر هم چیزی درست نشد، اشکال ندارد. ما خودمان هم دولتیم، هم ملت!»

علیزاده همچنین گفت: «همیشه در کنار تغییر و تحولاتی که در هنر ایجاد می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که از ریشه جدا نشویم. با جدایی از ریشه، تحول بی‌معنی است. موسیقی باید با ریشه آمیخته شود وگرنه تبدیل به مسایل روزمره می‌شود. با اعتقاد، خودتان را به ریشه وصل کنید. در غیراین‌صورت شما برای بازار کار کرده‌اید و خدمتی به موسیقی نداشته‌اید که البته این، کار یکی، دوروز نیست؛ کار دولت هم نیست، بلکه باید خودمان در این راستا تلاش کنیم.»

علیزاده در بخشی از صحبت‌هایش از استادش، هوشنگ ظریف و نقشی که او در تکوین شخصیت هنری‌اش داشته، گفت: «یکی از کسانی که من عاشقش هستم، هوشنگ ظریف است. از بچگی او را می‌شناختم. او هم معلم من بود و هم اینکه خانه‌اش نزدیک خانه ما بود. معلم سرود ما در دوره دبیرستان آقای ظریف بود.» وی با بیان خاطره‌ای گفت: یادم می‌آید، شب عید که می‌شد، ظریف به ما رحم نمی‌کرد. ۱۴صفحه درس به ما می‌داد که باید آنها را تمرین می‌کردیم. موسیقی هم مثل بقیه رشته‌ها نبود که بشود، دوروز آخر عید آن را انجام داد. باید تمرین می‌کردیم و ساز می‌زدیم وگرنه ظریف سرمان داد می‌زد. البته من یکی از شاگردان خوب او بودم. علیزاده که دوست و همکلاسی قدیمی داریوش طلایی بود، خاطره‌ای مشترک از استادشان را گفت که به نوروز مربوط بود: «عید نوروز که می‌شد، من و داریوش طلایی دلمان برای ظریف تنگ می‌شد. ما عاشق استادمان بودیم. آن زمان، واژه استاد برای هیچ‌کسی استفاده نمی‌شد. ما ظریف را «آقا» صدا می‌کردیم. هرچند که او لیاقت لقب استاد را داشت، اما اجازه نداشتیم، همیشه از این مقام استفاده کنیم. هنرجوها باید بدانند که اولین معلم موسیقی، خیلی مهم است. اگر تکنیکی غلط در شما شکل بگیرد، اصلاح آن تقریبا غیرممکن است. ما این شانس را داشتیم که به دستان ظریف نگاه کنیم.»او به تواتر نسل استادان اشاره کرد و این موضوع که او هم به‌عنوان شاگرد ظریف، شاگردان زیادی را تربیت کرده که از شمار شاگردان ظریف به‌شمار می‌روند. او همچنین به شاگردی‌اش در محضر جلیل شهناز اشاره کرد و گفت: «کسانی که در زمان ما به موسیقی گرایش پیدا می‌کردند، به کلاس‌های چنین استادانی می‌آمدند. این کلاس‌ها باعث می‌شد که هنرمندان از فساد دوری کنند، اما کسانی که عمقی به موسیقی نمی‌پرداختند، جامعه به آنها صدمه می‌زد.» در این مراسم البته بعد از صحبت‌های علیزاده، طلایی و کیوان ساکت، از شاگردان هوشنگ ظریف، نوبت به خود او رسید. طلایی تار را مادر سازهای ایرانی دانست و گفت: «باید آنطور طلایی باید و شاید نواخته شود. در گذشته وقتی استادان بداهه‌نواز ساز می‌زدند، آدم می‌فهمید چه ردیف و چه دستگاهی است، اما امروز اینگونه نیست.»ظریف که گفت من خیلی آدم حرف‌بزنی نیستم، درباره استادانش گفت که کسانی چون لطف‌الله‌خان مجد و موسی‌خان معروفی بودند. مهران مهرنیا که مجری این برنامه بود، از هوشنگ ظریف خواست که درباره آسیب‌های آموزش تار در کشور صحبت کند، اما ظریف در پاسخ گفت: نمی‌خواهم در این‌باره صحبت کنم. امروزه نوازندگی تار عوض شده است. بعضی‌ها آکروبات‌بازی می‌کنند و بعضی‌ها هم کباب‌کوبیده سیخ می‌کنند. تار باید با اصالت نواخته شود. امروز در تارنوازی هنرمندان، آثاری از سیتار هندی و سازهای ترکی شنیده می‌شود.»

رویداد

بیانیه خانه موسیقی در واکنش به لغو کنسرت‌های موسیقی

فتوای امام(ره) و مقام‌معظم‌رهبری ملاک موسیقی است

● **شرق:** خانه موسیقی در واکنش به برخی تهدیدها و فشارها به اهالی موسیقی بیانیه‌ای منتشر کرد و در این بیانیه با محکوم‌کردن این جریان‌ها اعلام کرده معیار باید فتاوای امام‌خمینی(ره) و مقام‌معظم‌رهبری باشد. به گزارش «شرق»، در پی بولتن‌سازی‌ها و تهدید و لغو کنسرت‌های موسیقی در شهرستان‌ها، خانه موسیقی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد صنفی این رشته هنری در بیانیه‌ای به آن واکنش نشان داد. در این بیانیه آمده است: «بار دیگر هنر شریف و هنرمندان مظلوم و متعهد این دیار بیش از پیش تحت‌فشار قرار گرفته و در هیاهویی مشکوک و در جنگ‌وجدال‌های سیاسی و تسویه‌حساب‌های جناحی محاصره و مسلوب‌الاختیار شده‌اند. هنگامی که دولت یازدهم با شعار تدبیر و امید و با مشی اعتدال و عدالت‌گستری بر مسند قدرت نشست بارقه امید و شکوفایی در دل و دیده هنرمندان محروم و درحسرت‌مانده عرصه موسیقی به‌وجود آمد و آن زمان که رییس‌جمهور محترم سخن از حقوق شهروندی به میان آورد این امید مضاعف گشته و موجی از شعف و شادی و خرسندی در بین اعضای این صنف برخاست... امیدی زنده شد که دیگر دوره بی‌قانونی، زورگویی و تحکم به هنرمندان به‌سر آمده و مسیر فعالیت‌های قانونی و سالم فراخ‌تر از پیش و هموارتر شده است. اما دریغ و درد که دیری نپایید و دگرباره بخت هنرمندان باژگونه گشت و نه‌تنها این اتفاق نیفتاد بلکه حجم تعدی و تجاوز به حقوق شهروندی و هتک‌حرمت عزیزان فعال در حوزه موسیقی (به‌ویژه بانوان) و گسترش ممانعت‌ها و ممنوعیت‌ها چنان فزونی یافت که به‌جرات می‌توان گفت در سه‌دهه گذشته تا به این حد سابقه نداشته است.»

در بخشی از این بیانیه آمده است: «شاید اذعان به این واقعیت تلخ، برای سناریونویسان مخالف‌سازی با دولت‌یازدهم خبر خوش و مسرت‌بخشی باشد اما اگر اینگونه است پس وظیفه دولت در این‌باره چیست؟ قوه حافظ عدل و عدالت (قوه‌قضاییه) در این‌باره چه موضعی دارد؟ با نظر و نگاهی گذرا به فعالیت‌های فرهنگی حوزه موسیقی و حواشی آنها در شش‌ماهه گذشته به‌راحتی می‌توان احصا کرد که مانع تراشی و هجوم به برنامه‌ها و کنسرت‌های مختلف با توسل به دروغ و شانتاژ، ایستادگی در مقابل مجوزهای رسمی وزارت ارشاد، برهم‌زدن کنسرت‌ها حتی در حضور مسوولان و ماموران نیروهای انتظامی! شایعه‌پراکنی‌های گسترده در رسانه‌های همسو، انعکاس گسترده اظهارات خلاف‌واقع دلواپسان در خصوص موسیقی، اهانت به نوازندگان و خوانندگان و زنان هنرمند، ممانعت از اجراهای بامجوز در لحظه شروع برنامه‌ها، القای دروغ‌های خودساخته از جمله شایعه صدور مجوز برای تکخوانی زنان با هدف تحریک علما و مراجع تقلید همه‌وهمه از نمونه‌های قابل‌مشاهده است و پرواضح است که اینها همه حکایت از پروژه جدید و نخ‌نمای گروهی از سیاسیون ناشی و بازنده انتخابات برای فشارآوردن به دولت منتخب و به‌منظور بهره‌برداری‌های خاص سیاسی است.»

این بیانیه با اشاره به حمایت وزیر ارشاد این سوال را مطرح می‌کند که چرا این اتفاقات رخ می‌دهد و چرا کسی پاسخگو نیست؟

در بخشی از این بیانیه با این جمله که باید تکلیف موسیقی یک‌بار دیگر مشخص شود؛ خانه موسیقی به نمایندگی همه اهالی موسیقی از قوای سه‌گانه کشور و همه مسوولان، نهادها، نیروی انتظامی و همه ارگان‌های ذی‌ربط می‌خواهد تا به وظیفه ذاتی، شرعی و قانونی خود عمل نموده و به دفاع از حقوق شهروندان و هموطنان به‌ویژه اهالی فرهنگ برخیزند و به این خواسته بحق آنها پاسخ مسوولانه و درخور بدهند. این نهاد صنفی با درخواست از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر مراکز و سازمان‌هایی چون صداوسیما، حوزه‌هنری و... خواسته در ارزیابی، سنجش، آموزش، انتخاب آثار و تولیدوپخش موسیقی به‌ویژه در زمینه فعالیت بانوان و پخش صدای آنها، بیانات، رهنمودها و فتاوی بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام‌معظم‌رهبری را به‌عنوان ملاک و معیار سیاست‌گذاری و اجرا مطمح‌نظر قرار دهند و نسبت به مجوزهای صادره خود مسوولیت‌پذیر بوده و با جدیت و اقتدار لازم از مخدوش‌نمودن اعتبار مجوزهای قانونی از سوی گروه‌های خودسر و غیرمسوول ممانعت به عمل آورده و حافظ حقوق مادی و معنوی هنرمندان باشند. خانه موسیقی همچنین از تمامی نیروهای امنیتی و انتظامی خواسته تا پاسدار بحق حقوق شهروندی بوده و به‌عنوان نیروهای معتقد و متعهد به نظام جمهوری اسلامی در اجرای قوانین جاری به وظیفه خود عمل کنند. همچنین قوه‌قضاییه و تمامی نیروها و ضابطان قضایی هم با اخلال‌گران نظم عمومی و ناقضان قوانین که در مقابل مجوزهای رسمی گردن‌کشی کرده و مانع اجرای برنامه‌های فرهنگی می‌شوند برخورد مقتضی کنند.